

یادداشت

از سخره‌های الموت تا تریبون یونسکو

آتیه از صفحه اول

الموت، نمادی از نسبت هوشمندانه انسان، طبیعت، اندیشه و سازمان اجتماعی در یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخ ایران است. این مجموعه نشان می‌دهد چگونه یک جامعه توانسته است در دل جغرافیایی دشوار، نظامی پیچیده از معماری، مدیریت منابع، دفاع، زیست و فرهنگ را پدید آورد. از این منظر، جهانی‌شدن الموت، جهانی‌شدن بخشی از دانش تاریخی و تجربه تمدنی ایران است؛ دانشی که امروز نیز می‌تواند الهام‌بخش گفت‌وگوهای جهانی درباره حفاظت از میراث، توسعه پایدار و هویت فرهنگی باشد.
حفاظت از میراث، دیواره ها و گفت‌وگوهای دو جانبه نیز بخشی از معماری آینده همکاری‌های فرهنگی ایران در شرق آسیا را شکل داد.
گفت‌وگو با وزیر فرهنگ، ورزش و گردشگری جمهوری کره، به توسعه همکاری‌های باستان‌شناسی، مرمت، آموزش‌های دانشگاهی، پژوهش‌های مشترک، تبادل استاد و دانشجو و برگزاری نمایشگاه‌های صنایع دستی متمرکز بود. آنچه در این مذاکرات اهمیت داشت، توافق بر سر انتقال دانش و شکل‌دهی به شبکه‌ای پایدار از همکاری‌های علمی بوده؛ زیرا باور داریم دیپلماسی فرهنگی، زمانی پایدار خواهد ماند که بر تولید دانش و تعامل نخبگان استوار شود.

حضور در دانشگاه ملی میراث فرهنگی کره نیز تجربه‌ای ارزشمند بود. این دانشگاه، نمونه‌ای موفق از پیوند میان آموزش، پژوهش، فناوری و حفاظت از میراث فرهنگی است. گفت‌وگو با استادان و پژوهشگران این مجموعه، بار دیگر این واقعیت را آشکار کرد که آینده حفاظت از میراث، بیش از هر زمان دیگر به همکاری‌های فراملی، تبادل تجربه و هم‌افزایی علمی وابسته است.
از همین رو، توسعه روابط میان دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و مراکز علمی دو کشور را سرمایه‌گذاری برای آینده میراث فرهنگی می‌دانیم.
دیدار با مسئولان عالی‌آژانس میراث فرهنگی کره نیز حامل پیامی فراتر از همکاری‌های اجرایی بود. ملت کره که خود تجربه تلخ نابودی بخش مهمی از میراث فرهنگی خویش را در جنگ پشت سر گذاشته است، امروز با درکی عمیق‌از ارزش حافظه تاریخی، به میراث ایران با احترام می‌نگرد. این نگاه، برای ما سرمایه‌ای فرهنگی است که می‌تواند مبنای همکاری‌های گسترده‌تر میان دو ملت قرار گیرد.

در حوزه گردشگری نیز بر این واقعیت تأکید کردیم که ظرفیت روابط ایران و کره، بسیار فراتر از وضع موجود است. تمدن ایران، تنوع فرهنگی، امنیت، جاذبه‌های طبیعی و تاریخی و ظرفیت‌های کم‌نظیر گردشگری کشور، هنوز آن‌گونه که شایسته است در جامعه کره شناخته نشده است. از این رو، به توسعه همکاری میان آژانس‌های گردشگری، فعال‌سازی مسیرهای هوایی، تعامل میان بخش خصوصی، تبادل گروه‌های مرجع، دانشگاهیان، هنرمندان و اصحاب رسانه تأکید کردیم تا تصویر واقعی ایران، از مسیر تجربه مستقیم و گفت‌ووی میان ملت‌ها بازآفرینی شود. گردشگری، در جهان امروز، یکی از مؤثرترین ابزارهای بازسازی اعتماد، کاهش سوءبرداشت‌ها و تعمیق شناخت متقابل ملت‌هاست. اما ثبت جهانی الموت، آغاز مسئولیتی بزرگ‌تر نیز هست. ورود یک اثر به فهرست میراث جهانی، آغاز تعهدی سنگین برای حفاظت، مدیریت علمی، مشارکت جوامع محلی، توسعه پایدار و انتقال این میراث به نسل‌های آینده است. مردم فرهنگ‌دوست الموت و استان قزوین، امروز پاسداران بخشی از میراث مشترک بشریت‌اند و این مسئولیت، دولت، نهادهای تخصصی و جامعه محلی را بیش از گذشته در کنار یکدیگر قرار می‌دهد.

از نسوی دیگر، آینده میراث فرهنگی ایران در گرو پیوندی هوشمندانه میان حفاظت و توسعه است. اگر میراث فقط موضوعی برای صیانت باشد، بخشی از ظرفیت خود را از دست خواهد داد؛ اما اگر با گردشگری مسئولانه، اقتصاد فرهنگی، مشارکت مردم و توسعه محلی پیوند بخورد، به موتور محرک رشد، اشتغال، هویت و سرمایه اجتماعی تبدیل خواهد شد. این همان رویکردی است که وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی با جدیت آن را دنبال می‌کند؛ رویکردی که در آن حفاظت از گذشته، زمینه‌ساز ساختن آینده است. موفقیت پرورنده الموت، ثمره بیش از ۲۰ سال کوشش خستگی‌ناپذیر پژوهشگران، باستان‌شناسان، مرمتگران، مدیران، کارشناسان و همه دلسوزانی است که با صبر، دانش و تعهد، این پرورده را به نقطه تصویب رساندند. این موفقیت بار دیگر نشان داد هرگاه سرمایه علمی، تجربه میدانی و مدیریت منسجم در کنار یکدیگر قرار گیرند، دستاوردهایی رقم خواهد خورد که نه‌تنها برای امروز، بلکه برای تاریخ این سرزمین ماندگار خواهد بود. بوسان برای ایران عرصه‌ای بود که در آن بار دیگر آشکار شد اقتدار واقعی ملت‌ها، پیش از آنکه در شاخص‌های سخت قدرت تعریف شود، در عمق فرهنگ، اعتبار تاریخی و سرمایه تمدنی آنان ریشه دارد. جهان آینده بیش از هر زمان دیگر به ملت‌هایی نیاز دارد که بتوانند میان گذشته و آینده، میان هویت و نوآوری و میان حافظه تاریخی و توسعه پایدار، پلی استوار برقرار کنند.

پیام ایران از بوسان روشن بود؛ تمدن، ماندگارترین زبان گفت‌وگوی ملت‌هاست. آنچه در یونسکو به ثبت رسید، اعتبار روایتی بود که ایران هزاران سال است با فرهنگ، دانش، خلاقیت و گفت‌وگو در تاریخ بشریت نوشته و همچنان با همان زبان، آینده را نیز مخاطب قرار خواهد داد.

زخم استعمار بر جغرافیای جهان

مهسا مژده‌ی: **برون‌بوم‌ها**، شهرهایی در جهان‌اند که گویا از دل تاریخ بیرون زده‌اند. تجربه استعمار و معاهدات قدیمی این نقساط را تبدیل به نقاط بحران کرده است. برون‌بوم‌ها در جغرافیای سیاسی به بخشی از خاک یک کشور گفته می‌شود که از نظر جغرافیایی از سرزمین اصلی جدا افتاده و توسط خاک یک یا چند کشور دیگر محصور شده است. راه ارتباط زمینی این مناطق با کشور اصلی، تنها از طریق عبور از مرزهای بیگانه یا در برخی موارد از مسیرهای دریایی و هوایی است. برون‌بوم‌ها اغلب بر اثر معاهدات تاریخی، فروپاشی امپراتوری‌ها، تغییرات مرزی پس از جنگ‌ها یا موقعیت‌های خاص قومی و جغرافیایی شکل می‌گیرند. اینجا نگاهی به مهم‌ترین برون‌بوم‌های جهان انداخته‌ایم.

سنوئا، مشهورترین برون‌بوم جهان

اسپانیا این روزها درگیر پدیده مهاجران مراکشی است که وارد سنوئا یا سیته شده‌اند. سنوئا در ساحل شمالی قاره آفریقا قرار گرفته و با مراکش مرز خاکی دارد و برون‌بوم اسپانیا محسوب می‌شود. تا قبل از سال ۱۹۹۵ یعنی زمانی که سنوئا خودمختار شد، این شهر بخشی از استان کادیس اسپانیا بود. در سنوئا زبان شهروندان اسپانیایی بوده و جمعیت آن را مسیحیان و مسلمان تشکیل می‌دهند. سنوئا در سال ۱۴۱۵ به پادشاهی پرتغال ضمیمه شد و در سال ۱۵۸۰ به تسلط اسپانیا درآمد. دلیل همچنان به امروز سنوئتا، به این دلیل است که مرز خاکی مستقیم قاره آفریقا و اتحادیه اروپا محسوب می‌شود و در مرکز تحولات سیاسی، مهاجرتی و دیپلماتیک قرار دارد. حضور اسپانیا در سنوئا (در ساحل جنوبی) و شبه‌جزیره ابیری (در ساحل شمالی)، قدرت نظارت پایدار بر تنگه جبل‌الطارق را به مادرید و ناتو می‌بخشد. برای اسپانیایی‌ها عبور مهاجران مراکشی از مرز و ورود آنها به سنوئتا، بحران به حساب می‌آید. این در حالی است که به اعتقاد ناظران، استعمار اسپانیا بر این ناحیه که باقی‌مانده دوران کهن است، وضعیتی را پیش آورده که ساکنان و صاحبان اصلی سنوئا دست‌پایین را داشته باشند و جانشان را به خاطر زندگی بهتر از دست بدهند.

ملیلیه؛ جدانشده از سرزمین اصلی

ملیلیه را می‌توان همتای سنوئا دانست. در سال ۱۶۴۰ میلادی به تصرف اسپانیا درآمد و در سال ۱۹۹۵ وضعیتش شهر خودمختار را تحت قانون اساسی اسپانیا به دست آورد. ملیلیه دارای مرز مستقیم با مراکش است که با سیم‌خاردارهای سیمانی و سیستم‌های نظارتی پیشرفته محصور شده و یکی از حساس‌ترین مرزهای مهاجرتی اتحادیه اروپا به شمار می‌رود. هرچند مراکش، ملیلیه را خاک خود می‌داند، اما ساکنان به مانند در اسپانیا رای داده‌اند. به همه اینها اگر یکی از آنها بخواند شهروندی مراکش را دریافت کند، دولت این کشور راه را برای او هموار خواهد کرد.

حق تعیین سرنوشت یا تمامیت ارضی؟



مایوت؛ جزیره فرانسوی در مجمع‌الجزایر کومور

مایوت، جزیره‌ای در قاره آفریقا، واقع در جنوب غربی اقیانوس هند است. این ناحیه در تاریخ ۲۹ مارس ۲۰۰۹ از ۹۵.۲ درصد آرا خواستار الحاق قطعی خود به فرانسه شد و حاکمیت مجمع‌الجزایر کومور را رد کرد. با وجود این رای، شهروندان مایوت در فقر کشنده‌ای زندگی می‌کنند. در بسیاری از مناطق، آنها به آب شرب دسترسی ندارند و بیکاری در آنجا غوغا می‌کند. مجمع عمومی سازمان ملل قطع‌نامه‌های متعددی در تأیید حاکمیت کشور کومور بر مایوت صادر کرده است، اما فرانسه همچنان به انکای رای مردم مایوت، بر کنترل آن اصرار دارد. به دلیل فاصله طبقاتی و سطح رفاه بسیار بالاتر مایوت نسبت به کشورهای هم‌جوار، این منطقه با بحران‌های مداوم مهاجرت غیرقانونی (به‌ویژه از کشور کومور) و جالش‌های امنیتی و اجتماعی روبه‌رو است.

فالکلند؛مجمع‌الجزایری جریان‌ساز

مجمع‌الجزایری در جنوب اقیانوس اطلس که از سال ۱۸۳۳ تحت کنترل بریتانیا بوده و در سال ۱۹۸۲ منجر به جنگ مسلحانه بین آرژانتین و بریتانیا شد. بریتانیا اداره آن را براساس اصل حق تعیین سرنوشت ساکنان توجیه می‌کند، اما آرژانتین آن را اشغال بخشی از تمامیت ارضی خود می‌داند. این مجمع‌الجزایر متشکل از بیش از ۷۰۰ جزیره است و مرکز آن، شهر استلنی، در جزیره فالکلند شرقی قرار دارد. اقتصاد جزایر بر پایه دامداری، ماهیگیری، گردشگری و خدمات به کشتی‌ها استوار است. نیمی از جمعیت حدوداً سه هزار نفری، بومی جزایر هستند و تبار بشرتشان بریتانیایی، اسکاتلندی یا ولزی است. جنجال بر سر کشف و سپس استعمار جزایر فالکلند بین اروپایی‌ها وجود داشته است. در زمان‌های مختلف جزایر تأسیسات فرانسوی، بریتانیایی، اسپانیایی و آرژانتینی داشته است. بریتانیا حاکمیت خود را در سال ۱۸۳۳ بر این جزایر تثبیت کرد؛ اگرچه آرژانتین ادعای خود را بر این‌ جزایر حفظ کرد. در آوریل ۱۹۸۲ نیروهای آرژانتینی جزایر

هم‌زمان با فشارها برای خلع سلاح گروه‌های فلسطینی صورت می‌گیرد

حملات پراکنده اسرائیل به نوار غزه

به عملیات نظامی خود در نوار غزه ادامه می‌دهد؛ آن‌هم در شرایطی که تلاش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای تثبیت یک توافق جدید صلح همچنان در جریان است. با این حال، اختلاف‌نظرها درباره سازوکار اجرای مفاد این توافق، به‌ویژه در موضوعاتی مانند خلع سلاح، عقب‌نشینی نیروهای اسرائیلی و نحوه اداره نوار غزه در مرحله آینده، همچنان پابرجاست. ارتش اسرائیل تاکنون درباره حملات اخیر واکنشی رسمی منتشر نکرده است. در همین حال، با ادامه عملیات جست‌وجو و امدادرسانی در مناطق هدف قرارگرفته، احتمال افزایش شمار قربانیان وجود دارد. در همین حال، العربیه روز گذشته گزارش داد که جنبش جهاد اسلامی فلسطین با خلع سلاح موافقت کرده است. همچنین یک مقام شورای صلح غزه با بیان اینکه توافق حاصل‌شده میان حماس و اسرائیل هنوز به مرحله اجرا نرسیده است، ادعا کرده روند خلع سلاح حماس در روزهای آینده آغاز خواهد شد. پس از آغاز اجرای توافق،

را اشغال کردند، اما مدیریت بریتانیا دو ماه بعد در پایان جنگ فالکلند بر جزایر احیا شد.

حقوق بین‌الملل و برون‌بوم‌ها

کشورهایی مانند اسپانیا و بریتانیا استدال می‌کنند که طبق ماده یک منشور ملل متحد، حق تعیین سرنوشت متعلق به ساکنان این مناطق است. ساکنان سنوئا، جبل‌الطارق یا فالکلند در همه‌پرسی‌ها با اکثریت قاطع به باقی‌ماندن تحت حاکمیت فعلی رای داده‌اند. همچنین در مورد سنوئا و ملیلیه، اسپانیا تأکید می‌کند که این دو شهر قرن‌ها پیش از معاهدات استعماری قرن‌های ۱۹ و ۲۰ به اسپانیا پیوسته‌اند و جزئی از خاک اصلی (و نه مستعمره) محسوب می‌شوند. کشورهایی مانند مراکش، آرژانتین و کوبا به قطع‌نامه ۱۵۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل (۱۹۶۰) استناد می‌کنند که بر استعمارزدایی و حفظ تمامیت ارضی کشورها تأکید دارد. از نظر این کشورها، حاکمیت فرامرزی بر بخشی از یک واحد جغرافیایی پیوسته، نقض تمامیت ارضی بوده و همه‌پرسی از جمعیتی که در طول زمان توسط قدرت استعمارگر اسکان داده شده‌اند، فاقد اعتبار حقوقی است. از منظر حقوق بین‌الملل خصوصی و عمومی، وضعیت این شهرها براساس اصل حقوق بین‌الزمان بررسی می‌شود. طبق این اصل، مشروعیت یک اقدام حقوقی (مانند تصرف یک شهر در قرن پانزدهم یا شانزدهم) باید براساس قوانین همان عصر ارزیابی شود، نه قوانین امروز. این همان شیوه‌ای است که اسپانیا دهه‌ها در پیش گرفته است. در مقابل، حقوق‌دانانی نیز استدال می‌کنند که معاهدات نابرابر عصر استعمار با الزامات آمره حقوق بین‌الملل مدرن در تعارض بوده و با موازین امروزی سازمان ملل متحد ناسط تلقی می‌شوند. برون‌بوم‌ها مانند یک زخم کاری بر بدنه کشورها قرار دارند؛ زخمی که گاه نشان می‌دهد جهان از دوران استعمار عبور نکرده است. با همه اینها، کشورهای اصلی هنوز نتوانسته‌اند راهی پیدا کنند تا ساکنان بخوانند در انتخابات سرزمین مادری‌شان را انتخاب کنند.